

بررسی تبدیل «إلی جدکم» به «إلی أخیک»

در زیارت جامعه کبیره*

□ علی نصرتی^۱

چکیده

زیارت جامعه کبیره، از مهم‌ترین و معتبرترین زیارتنامه‌هایی است که هنگام زیارت هر یک از امامان معصوم علیهم‌السلام از دور یا نزدیک خوانده می‌شود. در مصادر و منابع این زیارتنامه وارد شده است که اگر برای امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام خوانده شود، باید عبارت «وإلی جدکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از زیارتنامه به «وإلی أخیک بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» تبدیل شود. این تبدیل در همه مصادر آن به جز «مزار کبیر» ابن مشهدی از علمای قرن ششم آمده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا این فقره از زیارتنامه به تبدیل نیاز دارد؟ در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیده‌ایم که عبارت «وإلی جدکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از باب تغلیب شامل حضرت علی علیه‌السلام می‌شود و به تبدیل نیاز ندارد و تبدیل یاد شده، توضیح راوی بوده که در متن زیارت افزوده شده و باعث ادراج در متن زیارتنامه گشته است و از آن جا که نقل «مزار کبیر» بدون ادراج است، بر همه نقل‌ها برتری دارد.

واژگان کلیدی: زیارت جامعه کبیره، تبدیل، «إلی جدکم»، «إلی أخیک»، تغلیب

مقدمه

تغییر و تبدیل الفاظ و عبارات ادعیه و زیارات مأثوره، گونه‌ای از تحریف است و روا نیست؛ ولی گاهی برای رعایت دستور زبان یا دوری از کذب، باید کلمه یا عبارتی از زیارتنامه، به کلمه یا عبارت دیگری که مناسب مقتضای حال زائر و مزور است تغییر کند.

چنانچه زائر، زن باشد باید الفاظ و عبارات زیارت، طبق متکلم مؤنث تغییر کند تا کلام مطابق دستور زبان عربی شود. مثلاً خانمی که دعای مأثور بعد از زیارت عاشورا (طوسی، ۱۴۱۱، ۷۸۲/۲-۷۷۷) را می‌خواند باید عبارت «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَيُّتِيكُمَا زَائِرًا وَمَتَوَسَّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا وَمَتَوَجَّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى... مُنْتَظِرًا... مُفَوِّضًا... مُلْحِنًا... مُتَوَكِّلًا...» را تغییر دهد و صیغه‌های مذکر بکار رفته در آن از قبیل «زَائِرًا»، «مَتَوَسَّلًا»، «مَتَوَجَّهًا»، «مُسْتَشْفِعًا»، «مُنْتَظِرًا»، «مُفَوِّضًا»، «مُلْحِنًا»، «مُتَوَكِّلًا» و... را به مؤنث تبدیل کند تا مطابق دستور زبان عربی باشد (مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۲۹).

اگر زائر، زیارت عاشورا را در غیر روز عاشورا بخواند، باید عبارت «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» را تغییر دهد تا خلاف واقع نباشد، زیرا مشارالیه «هذا» روز موجود و حاضر است و چنانچه روز فعلی عاشورا باشد، کلام مطابق با واقع است، ولی اگر غیر روز عاشورا باشد، سخن خلاف واقع است (همان، ۱۲۳). علامه مجلسی به این تبدیل باور دارد و این گونه استدلال می‌کند: «از این که امام باقر علیه السلام خطاب به علقمه فرموده است اگر می‌توانی هر روز امام حسین علیه السلام را با این زیارتنامه زیارت کن، فهمیده می‌شود که حضرت اجازه داده‌اند عبارت «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» تغییر کند، مثلاً به جای آن بگوید «إِنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۲/۹۸). جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست. سپس زیارتی خواند (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۴۱-۳۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ۷۳۹/۲-۷۳۸) که معروف به زیارت امین الله است. امام باقر علیه السلام در ذیل آن تصریح می‌کند که این زیارت را نزد قبر امیرالمؤمنین و قبر هر امام دیگری می‌شود خواند. حال اگر کسی بخواهد این زیارتنامه را برای غیر

امیرالمؤمنین علیه السلام بخواند، قطعاً باید عبارت «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» را به جمله‌ای که مناسب حال امام زیارت شونده (مزور) است تغییر دهد تا کلام مطابق مقتضای حال مزور گردد.

ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که هرگاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور باشد، بالاترین مکان منزل را انتخاب کند و در آنجا دو رکعت نماز بخواند و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی حتماً به ما خواهد رسید (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۸۷/۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۲۸۶). شیخ طوسی همین روایت را نقل کرده (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰۳/۶)، ولی در ادامه آورده است: «وَتُسَلِّمُ عَلَی الْأَئِمَّةِ علیهم السلام مِنْ بَعِيدٍ كَمَا تُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ مِنْ قَرِيبٍ، غَيْرَ أَنَّكَ لَا يَصِحُّ أَنْ تَقُولَ أَتَيْتُكَ زَائِرًا، بَلْ تَقُولُ فِي مَوْضِعِهِ قَصَدْتُ بِقَلْبِي زَائِرًا...»؛ بر امامان علیهم السلام همانگونه که از نزدیک درود می‌فرستی، از دور هم درود بفرست، ولی درست نیست که بگویی: «أَتَيْتُكَ زَائِرًا» بلکه به جای آن باید بگویی: «قَصَدْتُ بِقَلْبِي زَائِرًا» اگرچه علامه مجلسی ذیل روایت تهنید را، کلام شیخ طوسی می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷۰/۹۸) و نقل کافی (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۸۷/۴) و کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۲۸۶) هم بر درستی ادعای علامه گواهی می‌دهد، ولی بیانگر این است که شیخ طوسی تبدیل الفاظ و عبارات زیارتنامه را به لفظ و عبارتی که مناسب حال و مکان زائر باشد جایز می‌داند.

بنابراین، برای رعایت دستور زبان عربی و دوری از کذب، گاهی تبدیل و تغییر برخی الفاظ و عبارات زیارات مأثوره، به لفظ و عبارتی که مناسب حال زائر یا مزور باشد، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

یکی از تبدیل‌هایی که در منابع حدیثی گزارش شده، تبدیل در عبارتی از زیارت جامعه کبیره است. شیخ صدوق به عنوان نخستین محدثی که این زیارت را به ثبت رسانده، پس از عبارت «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» آورده است: اگر زیارت برای امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام بود، به جای «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ»، بگو «وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۵/۲؛ همو، ۱۳۷۸، ۲۷۶/۲).

اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا این تبدیل درست است و اگر تبدیل و تغییری صورت نگیرد، کلام برخلاف مقتضای حال مزور می‌شود و در نتیجه، برخلاف واقع

می‌گردد و کذب پیش می‌آید؟ یا این که عبارت هرگز به تبدیل نیاز ندارد و تبدیل و تغییر آن نادرست است؟

این نوشتار می‌کوشد پس از بررسی تبدیل عبارت «وَأِلَىٰ جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» در مصادر و شرح‌های زیارت جامعه کبیره، درستی یا نادرستی این تبدیل را با توجه به سیاق زیارت جامعه کبیره ثابت کند و پرسش یاد شده را پاسخ دهد.

الف. نقل تبدیل در مصادر زیارت جامعه کبیره

کهن‌ترین مصدر زیارت جامعه کبیره، من لا يحضره الفقيه (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۷/۲-۶۰۹) و عیون أخبار الرضا (همو، ۱۳۷۸، ۲۷۸/۲-۲۷۲) است. شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق) در این دو اثر گرانسنگ آورده است که اگر زیارت مربوط به امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام است، باید «وَأِلَىٰ جَدُّكُمْ» به «وَأِلَىٰ أَخِيكَ» تبدیل شود (همو، ۱۴۱۳، ۶۱۵/۲؛ همو، ۱۳۷۸، ۲۷۶/۲). شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) زیارت جامعه کبیره را در تهذیب الأحکام، از طریق شیخ صدوق نقل کرده و همانند وی، تبدیل یاد شده را آورده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۹۹/۶). ابراهیم بن محمد جوینی (۶۴۴-۷۳۰ق) از عالمان اهل سنت نیز، این زیارت را در کتاب فرائد السمطين همراه با تبدیل، از طریق حاکم نیشابوری که به طریق شیخ صدوق منتهی می‌شود، گزارش کرده است (حموی جوینی، ۱۴۰۰، ۱۷۹-۱۸۵/۲).

زیارت جامعه در دیگر منابع حدیثی نیز، از طریق شیخ صدوق نقل شده و تبدیل یاد شده در آن‌ها آمده است (کفعمی، ۱۳۸۳، ۳۰۲؛ حلی، ۱۴۲۴، ۲۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۵۷۲/۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۲/۹۹؛ مجلسی، ۱۴۲۳، ۳۰۰؛ نوری، ۱۴۰۸، ۴۲۳/۱۰؛ قمی، ۱۳۹۱، ۱۰۴۵؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ۳۰۱/۱۲؛ مرعشی، ۱۴۱۸، ۸۸۴/۳۳؛ شاکری، حسین، ۱۴۱۹، ۱۵۰/۱۴؛ حسینی قزوینی و همکاران، ۱۴۲۴، ۲۸۲).

ابن مشهدی از علمای قرن ششم، زیارت جامعه کبیره را همچون دیگر محدثان از طریق شیخ صدوق نقل کرده، ولی عبارت «وَأِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام فَقُلْ وَأِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» را از متن زیارت حذف کرده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹،

۵۳۲). این حذف می‌تواند دلیل باشد که وی، به این تبدیل اعتقادی نداشته و آن را نادرست می‌دانسته است.

بنابراین، تبدیل «وَالِی جَدُّکُمْ» به «وَالِی أَخِیکَ» در همهٔ مصادر زیارت جامعهٔ کبیره به جز «المزار الکبیر» آمده و ابن مشهدی، تنها کسی است که تبدیل را گزارش نکرده است. برخی حدیث پژوهان نیز، تصریح کرده‌اند که تبدیل در همهٔ مصادر، به جز مزار ابن مشهدی وارد شده است (مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۳۳).

ب. تبدیل در کلام شارحان زیارت جامعه

شرح‌های فراوانی بر زیارت جامعه نگاشته شده است (انصاری قمی، ۱۳۸۲، ۲۶۲-۲۵۰؛ اصغری نژاد، ۱۳۸۶، ۷۷-۷۵؛ نوری، ۱۳۹۶). در اکثر شرح‌هایی که نگارنده به آن‌ها مراجعه کرده، تبدیل «وَالِی جَدُّکُمْ» به «وَالِی أَخِیکَ» تأیید شده است (مجلسی، ۱۴۱۴، ۷۳۷/۸؛ همو، ۱۴۰۶، ۴۹۳/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۷۲/۹؛ شبر، ۱۴۰۳، ۱۸۲؛ کربلایی، ۱۴۲۸، ۲۳۹/۵؛ مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۳۳؛ أحسانی، ۱۴۲۰، ۲۶۵/۳-۲۷۶؛ همدانی درودآبادی، ۱۳۷۸، ۴۶۹؛ همو، ۱۳۸۷، ۵۸۵؛ تحریری، ۱۳۸۹، ۳۰۰/۳؛ بحرینی، ۱۳۸۶، ۷۱۶-۷۱۵؛ رزمجو، ۱۳۹۲، ۲۰۳-۲۰۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ۳۶ و ۶۰۷؛ سجّادی، ۱۳۸۵، ۳۸۱؛ گویا، ۱۳۷۸، ۲۳۷؛ نظامی، ۱۳۷۸، ۲۴۰/۳-۲۳۹؛ نظری، ۱۳۹۰، ۴۷۷).

گروه اندکی از شارحان زیارت جامعه، تبدیل مذکور را از متن زیارت حذف کرده، شرحی دربارهٔ آن نیاورده و از درستی یا نادرستی آن سخن نگفته‌اند (هدائی، ۱۳۶۶، ۲۷۸؛ ضیاءآبادی، ۱۳۹۳، ۱۱۴/۳-۱۱۳؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۰، ۶۰۱/۲-۵۹۱). شاید این گروه اندک، تبدیل «وَالِی جَدُّکُمْ» به «وَالِی أَخِیکَ» را نادرست می‌دانسته‌اند که آن را از متن زیارت انداخته‌اند.

ج. تبدیل؛ پیشنهاد راوی یا دستور امام هادی علیه السلام

زیارت جامعهٔ کبیره از زبان گهربار امام هادی علیه السلام، در پاسخ به خواستهٔ یکی از شیعیان صادر شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۶۰۹/۲). آیا تبدیلی که در قریب به اتفاق مصادر زیارت جامعه وارد شده، کلام و سخن آن حضرت است یا راوی مثلاً شیخ

صدوق در ضمن نقل زیارت، پیشنهاد تبدیل داده است؟ به عبارت دیگر، آیا در متن زیارت جامعه، ادراج صورت گرفته و تبدیل، کلام راوی است یا این که ادراج صورت نگرفته و تبدیل، سخن امام علیه السلام است؟

برخی حدیث پژوهان بر این باورند که تبدیل، سخن امام هادی علیه السلام است نه کلام شیخ صدوق (مازندرانی، ۱۳۳۰، ۱۳۳). گروهی از شارحان زیارت جامعه، ذیل عبارت «وإلی أخیك» روایاتی آورده‌اند تا ثابت کنند حضرت علی علیه السلام آخ و برادر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است (احسانی، ۱۴۲۰، ۲۷۶؛ بحرینی، ۱۳۸۶، ۷۱۶-۷۱۵)، می‌توان از شرح و تفسیر آنان برداشت کرد که نظرشان این است که تبدیل، کلام امام هادی علیه السلام است. گویا صاحب مزار کبیر و برخی شارحان زیارت، عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقُلْ وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» را کلام راوی می‌دانسته‌اند که آن را از متن زیارت حذف کرده و نیاورده‌اند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۳۲؛ هدائی، ۱۳۶۶، ۲۷۸؛ ضیاءآبادی، ۱۳۹۳، ۱۱۴/۳-۱۱۳؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۰، ۶۰۱/۲-۵۹۱).

قاعده این است که اگر شک در وقوع ادراج شود، اصل بر عدم ادراج است (دلبری، ۱۳۹۲، ۴۲) ولی همان گونه که خواهد آمد، تبدیل نادرست است و نمی‌تواند کلام امام علیه السلام باشد. بنابراین، در متن زیارت، ادراج صورت گرفته و به احتمال قوی، شیخ صدوق به اجتهاد و تشخیص خود پیشنهاد تبدیل داده و عالمان نیز تصریح کرده‌اند که شیوه شیخ صدوق بر این بوده که، بیان و توضیح خود را در متن روایت درج می‌کرده است (بهبهانی، ۱۴۲۴، ۳۸۳/۱).

د. نادرستی تبدیل در زیارت جامعه

برای درستی تبدیل، باید دو مطلب ثابت باشد که اگر یکی از آن دو ثابت نشود، تبدیل نادرست خواهد بود:

مطلب نخست: باید مخاطب در عبارت «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» تنها امام زیارت شونده باشد و از ضمیر جمع مخاطب «كُمْ» به صورت مجاز، مفرد مخاطب اراده شود. بدین سان که، زائر با این عبارت فقط امام مزور را قصد کند، ولی برای رعایت احترام به جای ضمیر مفرد، از ضمیر جمع استفاده کند. در این صورت، عبارت

بر حضرت علی علیه السلام منطبق نخواهد بود؛ لذا برای دوری از کذب، باید آن را به عبارتی تبدیل کرد که بر حضرت منطبق شود، مثلاً عبارت «وَالِإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» جایگزین شود. همان گونه که، اگر عبارت اصلی زیارت «وَالِإِلَىٰ جَدِّكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» بود، یعنی به جای ضمیر «كُم» ضمیر «كَ» وارد شده بود، برای زیارت حضرت علی علیه السلام باید به «وَالِإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» تبدیل می‌شد، ولی اگر مخاطب در عبارت مذکور، همه امامان معصوم علیهم السلام باشند و ضمیر «كُم» در معنی حقیقی خود استعمال شده باشد، تبدیل عبارت جایز نخواهد بود و نمی‌توان کلامی را که برای خطاب کردن دوازده نفر صادر شده، تغییر داد و به یک نفر منحصر کرد، به خصوص اگر مخاطب در سایر فرازاها، همه امامان معصوم علیهم السلام باشد.

مطلب دوم: برای رعایت احترام، می‌توان در زبان عربی به جای ضمیر مفرد مخاطب «كَ»، از ضمیر جمع مخاطب «كُم» استفاده کرد، همان گونه که در زبان فارسی برای احترام، به جای ضمیر دوم شخص مفرد «تو»، ضمیر دوم شخص جمع «شما» به کار می‌رود (شریعت، ۱۳۶۴، ۱۲۷).

ظاهراً، مطلب دوم ثابت شده است و این شیوه بیانی در زبان عربی، همچون زبان فارسی رایج است. صاحب تفسیر مجمع البیان بر این باور است که عرب‌زبانان برای احترام، به جای لفظ مفرد، از لفظ جمع استفاده می‌کنند و این استعمال آن قدر مشهور است که نیاز به استدلال ندارد (طبرسی، ۱۴۰۶، ۴-۳/۳۲۶) و برخی قرآن‌پژوهان و مفسران اهل سنت نیز، همین دیدگاه را پذیرفته‌اند (زرکشی، بی‌تا، ۲/۲۳۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ۲/۳۰۲). صاحب التحریر و التنویر در این باره می‌گوید: «خطاب به صیغه جمع برای رعایت احترام، شیوه عرب‌زبانان است، ولی همیشه باید به صورت مذکر باشد، پس در خطاب یک زن به قصد احترام باید اَنتم گفت نه اَنتن (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۱۸/۱۰۰). ابوزید در ادب شاگرد نسبت به استادش می‌گوید: «نباید شاگرد استادش را به اسم تنها یا به ضمیر مفرد خطاب کند» (ابوزید، ۱۴۲۲، ۳۶-۳۵).

بنابراین، در زبان عربی می‌توان برای احترام، به جای ضمیر مخاطب «كَ» از ضمیر جمع مخاطب «كُم» استفاده کرد؛ لذا اگر «كُم» در «عبارت» «وَالِإِلَىٰ جَدِّكُم بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» برای احترام به جای «كَ» به کار رفته باشد و مخاطب، تنها امام

زیارت‌شونده باشد، باید برای زیارت حضرت علی علیه السلام تبدیل انجام شود. بنابراین، مهم بررسی مطلب نخست است. باید دید آیا در عبارت مذکور امکان دارد که ضمیر جمع مخاطب، به صورت مجاز، به جای مفرد مخاطب به کار رفته باشد و زائر، تنها امام زیارت‌شونده را قصد کند؟

به نظر نگارنده، امکان ندارد و ادله‌ای دلالت می‌کند که ضمیر «کُم» در معنی حقیقی خود بکار رفته است:

یک. خطاب کردن شخص واحد با ضمیر جمع برای رعایت احترام، اگرچه در زبان عربی رایج است، ولی این شیوه بیانی در ادعیه و زیارات مأثوره، بلکه در احادیث و سنت، هرگز به کار نرفته است.

دو. بر فرض که خطاب کردن مفرد با ضمیر جمع، در ادعیه و زیارات وارد شده باشد، ولی استعمال ضمیر «کُم» در مفرد مخاطب، مجاز است و نیاز به قرینه صارفه دارد و در عبارت مذکور، چنین قرینه‌ای وجود ندارد و در صورت نبود قرینه، باید بر معنای حقیقی، یعنی جمع مذکر مخاطب حمل شود و همه امامان معصوم علیهم السلام قصد شوند.

سه. بر فرض که قرینه باشد و برای احترام به جای ضمیر مفرد مخاطب، ضمیر جمع مخاطب به کار رفته باشد و عبارت بر حضرت علی علیه السلام منطبق نباشد، باید «جَدَّکُم» به «أَخِیکُم» تبدیل شود تا با «مبدل منه» هماهنگ باشد.

چهار. اگر از ضمائر و الفاظ جمع به کار رفته در زیارت، شخص واحد قصد شود، عبارت «وَدُرِّیَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» از این فراز زیارت جامعه کبیره «السَّلَامُ عَلَیْ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَمَسَاكِنِ بَرَکَةِ اللَّهِ وَمَعَادِنِ حِکْمَةِ اللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَحَمَلَةِ کِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَدُرِّیَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَکَاتِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۰/۲) نیز به تبدیل نیاز دارد؛ زیرا وقتی زیارت جامعه برای حضرت علی علیه السلام خوانده شود و آن حضرت مقصود باشد، عبارت «وَدُرِّیَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» بر ایشان منطبق نخواهد بود. با این وجود، برای آن تبدیلی پیشنهاد نشده است. به عبارت دیگر، فرقی بین «السَّلَامُ عَلَیْ... دُرِّیَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» و «وَإِلَیْ جَدَّکُم بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِینُ» نیست و عبارت دوم، همانند عبارت نخست به تبدیل نیاز ندارد.

اللَّهُ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لِسْرِفِكُمْ وَبَحَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِبُورِكُمْ وَفَارَزَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ».

ضمایر جمع مذکر مخاطب، که قبل و بعد از عبارت «وَالِی جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» آمده، در معنی حقیقی به کار رفته و همه امامان معصوم علیهم‌السلام مقصود می‌باشند. از باب وحدت سیاق، ضمیر «كُمْ» در عبارت مذکور نیز باید در معنی حقیقی استعمال شده باشد و همه آن‌ها مقصود باشند. در این صورت، تبدیل آن جایز نیست؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، تبدیل زمانی درست است که از «كُمْ»، شخص واحد و امام زیارت‌شونده قصد شود.

ه. چگونگی شمول «وَالِی جَدُّكُمْ» بر حضرت علی علیه‌السلام

با توجه به مطالب پیشین روشن شد که مخاطبِ «وَالِی جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» همه امامان معصوم علیهم‌السلام هستند و شامل حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌شود. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه عنوان «جَدُّكُمْ»، بدون هیچ تبدیل و تغییری شامل آن حضرت می‌شود؟ با این که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جد و پدر بزرگ وی نیست. به نظر نگارنده، در عبارت «وَالِی جَدُّكُمْ» اسلوب بلاغی تغلیب به کار رفته است و از باب تغلیب، شامل حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌شود و چنانچه زائر، زیارت جامعه را در حرم آن حضرت بخواند، نباید آن را به «وَالِی أَخِيكَ» تبدیل کند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جد یازده امام از امامان دوازده‌گانه است، لذا می‌شود از باب تغلیب، آن حضرت را جد امامان دوازده‌گانه دانست و خطاب به آن بزرگواران گفت: «وَالِی جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ».

پیش از تطبیق قاعده تغلیب بر عبارت مورد بحث، آن را به صورت مختصر بیان می‌کنیم.

و. تغلیب و گونه‌های آن

تغلیب در لغت، مصدر باب تفعیل از ریشه «غلب» به معنای چیره گردانیدن است

(دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۸۳۳/۵). گفته می‌شود: «غلبته أنا علیه تغلیباً» (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۹۵/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶۵۲/۱). یعنی من او را بر دیگری چیره گرداندم و در اصطلاح، عبارت است از ترجیح دادن یکی از دو شیء بر دیگری، در اطلاق لفظ آن بر دیگری (هاشمی، ۱۴۱۸، ۲۴۲).

تغلیب، یکی از اسلوب‌های پرکاربرد بلاغی در زبان عربی است (سکاک، بی‌تا، ۳۴۸) که انواع فراوانی دارد (ر.ک: تفتازانی، بی‌تا، ۱۶۱-۱۵۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ۶۸۸/۲-۶۸۶-۶۸۷؛ زرکشی، بی‌تا، ۳۱۲/۳-۳۰۲؛ ابن عربشاه، بی‌تا، ۲۶۸-۲۶۴؛ سیوطی، ۱۳۵/۳-۱۳۴؛ هاشمی، ۱۴۱۸، ۲۴۳-۲۴۲؛ رضایی، ۱۳۸۴، ۱۰۰-۹۸). چند گونه را به صورت مختصر می‌آوریم:

یکم. تغلیب مذکر بر مؤنث مانند ﴿وَكَاثَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾ (تحریم/۱۲)؛ و از فرمانبرداران بود. در اصل باید «قانتات» باشد، ولی به خاطر تغلیب، به جای لفظ مؤنث، از لفظ مذکر استفاده شده است (هاشمی، ۱۴۱۸، ۲۴۳).

دوم. تغلیب عاقل بر غیر عاقل مانند ﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ﴾ (نور/۴۵)؛ و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید، پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند. لفظ «دابه» (= جنبنده) شامل عاقل و غیر عاقل می‌گردد، ولی خداوند در اینجا عاقل را بر غیر عاقل غلبه داده و «من» را که برای عاقل وضع شده است، به جای «ما» به کار برده است تا غیر عقلا را موصوف به صفات آدمی، از قبیل تمیز و بصیرت گرداند (رضایی، ۱۳۸۴، ۹۹).

سوم. تغلیب مخاطب بر غایب مانند ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (نمل/۵۵)؛ بلکه شما مردمی جهالت‌پیشه‌اید. خداوند در این آیه از «یجهلون» عدول کرده و به جایش «تجهلون» آورده تا مخاطب را بر غایب غلبه دهد و مخاطبان را محکوم به جهل و نادانی کند و بی‌شک در این جا، تأثیر خطاب از غیبت، بسی بیشتر است و بهتر می‌تواند مخاطب را از گمراهی باز دارد (رضایی، ۱۳۸۴، ۹۹).

چهارم. تغلیب شهر بر غیر شهر مانند ﴿قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ﴾ (زخرف/۳۸)؛ گوید ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود. گوینده در این آیه، آرزو می‌کند که میان او و شیطان، فاصله‌ای به اندازه مسافت «مشرق» و «مغرب» باشد، پس مرادش از «مشرقین»، «مشرق» و «مغرب» است. ممکن است غلبه مشرق

بر مغرب به دو دلیل باشد: یک. مشرق مشهورتر است؛ دو. شرق امری وجودی و غرب امری عدمی است و مسلم است که وجود از عدم شریف‌تر است (رضایی، ۱۳۸۴، ۱۰۰).

پنجم. تغلیب اکثر بر اقل مانند ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا﴾ (اعراف/۸۸)؛ سران قومش که تکبر می‌ورزیدند، گفتند: ای شعیب، یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد یا به کیش ما برگردید. حضرت شعیب رضی الله عنه از باب تغلیب در «لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا» داخل شده است؛ زیرا وی هرگز در کیش و آئین آنان نبوده تا به سوی آن بازگردد (تفتازانی، بی‌تا، ۱۶۰-۱۵۹).

ششم. تغلیب جنس کثیر الأفراد بر غیر خود مانند ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (ص/۷۴-۷۳)؛ پس همه فرشتگان یکسر سجده کردند مگر ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران شد. ابلیس جن است و از ملائک نیست، ولی خداوند متعال او را در این آیه شریفه، به خاطر تغلیب از جنس ملائک شمرده است (تفتازانی، بی‌تا، ۱۵۹؛ زرکشی، بی‌تا، ۳/۳۱۰). البته، در صورتی آیه شریفه از باب تغلیب است که استثنای در آن متصل باشد، ولی اگر استثنا را منقطع بدانیم، ملائکه در مصادیق حقیقی خود به کار رفته و شامل شیطان نمی‌شود تا از باب تغلیب باشد، اما اصل این است که استثنا متصل باشد نه منقطع (زرکشی، بی‌تا، ۳/۳۱۰).

ز. نوع تغلیب در «وإلی جدکم»

به نظر نگارنده، نوع تغلیب به کار رفته در عبارت «وإلی جدکم» از زیارت جامعه کبیره، تغلیب جنس کثیر الأفراد است. در این گونه تغلیب، دو عنوان داریم که افراد و مصادیق یکی از دیگری بیشتر است. عنوانی که افراد و مصادیق بیشتر دارد، غلبه داده می‌شود و بر افراد و مصادیق عنوان مغلوب نیز اطلاق می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جد یازده نفر از امامان معصوم علیهم السلام و أخ و برادر یک نفر از آنان است. عنوان جد، بر أخ غلبه داده می‌شود و از باب تغلیب، جد همه دوازده امام علیهم السلام به حساب می‌آید؛ لذا فراز «وإلی جدکم بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» شامل حضرت علی رضی الله عنه نیز می‌شود و به تبدیل نیاز ندارد.

ح. کاربرد اسلوب تغلیب در زیارات مأثوره و سخنان امامان معصوم علیهم السلام

اسلوب تغلیب در زیارات مأثوره و سخنان امامان معصوم علیهم السلام، فراوان به کار رفته که به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

یکم. یکی از اوصافی که در زیارت جامعه برای امامان معصوم علیهم السلام آمده و زائر با این وصف آنان را خطاب می‌کند و درود می‌فرستد «ذُرِّيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ» است: «السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالٌّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ وَمَسَاكِينَ بَرَكَاتِ اللَّهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَحَفَظَةَ سِرِّ اللَّهِ وَحَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۰/۲). روشن است که حضرت علی عليه السلام از ذریه رسول الله صلى الله عليه وسلم نیست، ولی این خطاب از باب تغلیب، شامل آن حضرت نیز می‌شود و تغلیب به کار رفته در این فراز نیز، از نوع تغلیب جنس کثیر الأفراد است. علامه مجلسی در شرح این عبارت از زیارت جامعه می‌گوید: «وذریه رسول الله صلى الله عليه وسلم شمل امیرالمؤمنین عليه السلام تغلیباً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۶/۹۹؛ همو، ۱۴۰۶، ۲۵۳/۹)؛ «ذریه رسول الله» از باب تغلیب شامل امیر مؤمنان می‌گردد. ای کاش علامه در عبارت «وإلی جدکم» نیز، همین سخن را می‌گفت و تبدیل نادرست «وإلی اخیکم» را تأیید نمی‌کرد.

دوم. شیخ صدوق، زیارتنامه‌ای برای زیارت امام حسین عليه السلام از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند. در این زیارتنامه وارد شده است: «... ثُمَّ أَنْتِ عَلِيًّا ابْنَهُ وَهُوَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ...» (صدوق، ۱۴۱۳، ۵۹۶/۲). در این زیارت مأثور، حضرت علی اصغر فرزند امام حسن عليه السلام و امام حسین عليه السلام معرفی شده است که، مجلسی اول آن را از باب تغلیب دانسته است. وی در ترجمه و توضیح این فراز زیارتنامه می‌گوید: «پس بیا به نزد علی اصغر که نزد پای حضرت مدفون است، و می‌گویی که سلام الهی بر تو باد ای فرزند رسول خدا صلى الله عليه وسلم، ای فرزند امیر المؤمنین عليه السلام، ای فرزند حسن و حسین عليه السلام، که عمو را پدر خوانده است تغلیباً، مثل حسنین» (مجلسی، ۱۴۱۴، ۶۱۷/۸).

سوم. سائل از حضرت علی عليه السلام می‌پرسد: این امت چند امام دارد؟ حضرت پاسخ می‌دهند: «إِنَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا هَدَى مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳۲/۱)؛ همانا این امت دوازده امام هدایتگر از نسل پیغمبرش دارد.

ظاهر این روایت نشان می‌دهد که همه امامان دوازده گانه از نسل پیامبرند، در حالی که نخستین امام از نسل وی نیست. علامه مجلسی برای تصحیح ظاهر این روایت، وجوهی بیان کرده که دومین وجه آن این گونه است: «الثانی: أن يكون قوله: «مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا» على المجاز و التغليب؛ فإنه لما كان أكثرهم من الذرية، أطلق على الجميع الذرية تغليباً (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۲۷/۶)؛ وجه دوم این است «مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا» مجاز و تغليب است؛ زیرا اکثر آنها ذریه هستند از باب تغلب بر همه ذریه اطلاق شده است.

چهارم. در حدیث نماز معراج وارد شده: «... ثُمَّ التفت فإذا بصُفوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ فَقِيلَ يَا مُحَمَّدُ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّ السَّلَامَ وَالتَّحِيَّةَ وَالرَّحْمَةَ وَالبَرَكَاتِ أَنْتَ وَذُرِّيَّتُكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸۶/۳؛ صدوق، ۱۳۸۵، ۳۱۶/۲)؛ سپس نگریست، ناگهان صف‌هایی از ملائک، فرستادگان و پیغمبران دید، پس وحی رسید که یا محمد بر آنان درود فرست، پس گفت: السلام عليكم ورحمة الله و بركاته، سپس خداوند وحی کرد: به درستی، تو و ذریه‌ات، سلام، تحیت، رحمت و برکت هستید.

علامه محمد تقی مجلسی در شرح و توضیح این حدیث آورده است که مراد از «ذُرِّيَّتُكَ»، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام است و از باب تغلب، شامل حضرت علی علیه السلام می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۲۲/۲).

نتیجه‌گیری

تغییر و تبدیل الفاظ و عبارات زیارات مأثوره، گونه‌ای از تحریف است و روا نیست، ولی گاهی برای رعایت دستور زبان یا دوری از کذب، باید کلمه یا عبارتی از زیارتنامه، به کلمه یا عبارت دیگری که مناسب مقتضای حال زائر و مزور است، تغییر کند. به همین سبب، گاهی عالمان و محدثان برای برخی از فرازهای زیارتنامه‌های مأثوره، تبدیل‌هایی گزارش کرده‌اند، ولی تغییر و تبدیل عبارت «وَأَلِيَّ جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از زیارت جامعه کبیره به «وَأَلِيَّ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» هنگام زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، که در قریب به اتفاق منابع و مصادر زیارتنامه نقل شده، نادرست است.

عبارت «وَإِلَىٰ جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از باب تغلیب، شامل حضرت علی علیه السلام می‌شود و تغلیب به کار رفته در آن، از نوع تغلیب جنس کثیر الأفراد است.

عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام فَقُلْ وَإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ» که در متن زیارت جامعه کبیره آمده، افزوده راوی است و ادراج در متن به حساب می‌آید.

ابن مشهدی در کتاب مزار کبیر با حذف عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام فَقُلْ وَإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ» از متن زیارت جامعه، آسیب ادراج را برطرف کرده و نشان داده که این تبدیل نادرست است.

پیشنهاد می‌شود در زیارتنامه‌هایی که برای حرم امامان معصوم علیهم السلام چاپ می‌شود، عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام فَقُلْ وَإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از متن زیارت جامعه کبیره حذف شود و معیار، کتاب مزار کبیر ابن مشهدی قرار گیرد و در پاورقی چاپ‌های جدید مصادر و منابع زیارت جامعه، به نادرستی این تبدیل اشاره شود.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن عاشور، محمد الطاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ.
۳. ابن عربشاه، ابراهیم بن محمد، (بی‌تا)، الأطول شرح تلخیص مفتاح العلوم، محقق: هندای، عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف، دار المرتضویه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، مصحح: احمد فارس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۶. ابن هشام، عبد الله بن یوسف، (بی‌تا)، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۷. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
۸. ابوزید، بکر بن عبد الله، (۱۴۲۲ق)، حلیة طالب العلم، بیروت، مؤسسة الرساله.
۹. احسانی، أحمد بن زین الدین، (۱۴۲۰ق)، شرح زیارة الجامعة الکبیره، بیروت، دارالمفید.
۱۰. اصغری نژاد، محمد، (۱۳۸۶ش)، زیارت جامعه در آیین پژوهش، فرهنگ کوثر، سال دهم، ش ۷۰.
۱۱. انصاری قمی، ناصرالدین، (۱۳۸۲ش)، کتابشناسی زیارت جامعه کبیره، علوم حدیث، سال هشتم، ش ۳۰.

۱۲. بحرینی، سیدمجتبی، (۱۳۸۶ ش)، جامعه در حرم (نگرشی بر زیارت جامعه کبیره)، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۱۳. بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶ ش)، جامع احادیث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۱۴. بهبهانی، محمد باقر، (۱۴۲۴ق)، مصابیح الظلام، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
۱۵. تحریری، محمدباقر، (۱۳۸۹ ش)، جلوه‌های لاهوتی (شرحی بر زیارت جامعه کبیره)، قم، نشر حر و نشر سبحان.
۱۶. نفتازانی، مسعود بن عمر، (بی تا)، کتاب المطول و بهامشه حاشیه السید میرشریف، قم، مکتبه الداوری.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق)، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۸. حسینی قزوینی و همکاران، سید محمد، (۱۴۲۴ق)، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، قم، مؤسسه ولی العصر علیه السلام للدراسات الإسلامیة.
۱۹. حلّی، حسن بن سلیمان، (۱۳۸۲ ش)، المحتضر، تحقیق: سید علی اشرف، بی جا، انتشارات المکتبه الحیدریه.
۲۰. حموی جونی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۰ ق)، فرائد السمطین، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی.
۲۱. دلبری، سیدعلی، (۱۳۹۲ ش)، ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دهم، ش ۱۹.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۳. رزمجو، حسین، (۱۳۹۲ ش)، جامعه کبیره دنیای آرمانی امامت در تشیع علوی، مشهد، انتشارات قاف.
۲۴. رضایی، غلامعباس، (۱۳۸۴ ش)، موارد خروج کلام از مقتضای ظاهر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۵۶، ش ۱۷۳.
۲۵. زرکشی، بدرالدین محمد، (بی تا)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، المکتبه العصریه.
۲۶. سجّادی، سیداحمد، (۱۳۸۵ ش)، پرچم داران سعادت (تدبر در زیارت جامعه کبیره)، تهران، بنیاد قرآن و عترت.
۲۷. سکاکی، یوسف بن ابی بکر، (بی تا)، مفتاح العلوم، محقق: هندای، عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۸. شاکری، حسین، (۱۴۱۹ق)، موسوعة المصطفی والعتره علیهم السلام، قم، نشر الهادی.
۲۹. شیر، سیدعبدالله، (۱۴۰۳ق)، الأنوار اللامعة فی شرح زیارة الجامعه، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۰. شریعت، محمدجواد، (۱۳۶۴ ش)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات اساطیر.
۳۱. شیخ الاسلامی، محمدهادی، (۱۳۷۰ ش)، شرح زیارت جامعه کبیره، محقق: سیدمحمدجواد طبسی حائری، مشهد، انتشارات فدک.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۳۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری.

۳۴. ضیاء آبادی، سیدمحمد، (۱۳۹۳ ش)، جبل متین شناخت ارکان دین، تهران، انتشارات بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ ق)، مصباح المتهدّد وسلاح المتعمّد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعه.
۳۸. قمی، عباس، (۱۳۹۱ ش)، کلیات مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات پیام عدالت.
۳۹. کربلایی، جواد، (۱۴۲۸ ق)، الأنوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعه، تحقیق: محسن اسدی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۰. کفعمی، ابراهیم، (۱۳۸۳ ش)، البلد الأمين والدرع الحصین، تهران، مکتبه الصدوق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۲. گویا، عبد العلی، (۱۳۷۸ ش)، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره، تهران، انتشارات زراره.
۴۳. مازندرانی، عبد الرسول، (۱۴۳۰ ق)، شرح زیارة العاشوراء، تحقیق: سید حسن موسوی درازی، قم، دار الصدیقه الشهیده علیها السلام.
۴۴. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۱۴ ق)، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسة اسماعیلیان.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۶. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسة فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۶ ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۲۳ ق)، زاد المعاد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷ ش)، تفسیر قرآن ناطق یا شرح زیارت جامعه کبیره، تهران، نشر مشعر.
۵۱. مرعشی، سید شهاب الدین، (۱۴۱۸ ق)، شرح إحقاق الحق، تحقیق: سید محمود مرعشی، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۵۲. مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ ق)، مزارکبیر، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۵۳. نظامی، علی، (۱۳۷۸ ش)، سیمای ائمه علیهم السلام در شرح زیارت جامعه کبیره، قم انتشارات فرایض.
۵۴. نظری، علی، (۱۳۹۰ ش)، انوار الالهیه (شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره)، اصفهان، کانون پژوهش.
۵۵. نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۵۶. نوری، عباس، (۱۳۹۶ ش)، کتابشناسی ترجمهها، شروح و پژوهشهای مربوط به زیارت جامعه کبیره، <http://www.manuscripts.ir/fa/component/content/article?id=2523>
۵۷. هاشمی، احمد، (۱۴۱۸ ق)، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والدیبع، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.

۵۸. هدائی، ابوتراب، (۱۳۶۶ ش)، نجوم لامعه شرح زیارت جامعه، مشهد، چاپخانه خراسان.
۵۹. همدانی درودآبادی، سیدحسین، (۱۳۷۸ ق)، الشمس الطالعة فی شرح الزيارة الجامعة، تهران، مطبعة المصطفوی.
۶۰. همدانی درودآبادی، سیدحسین، (۱۳۸۷ ش)، الشمس الطالعة فی شرح الزيارة الجامعة، مترجم: محمدحسین نائیجی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

